

تالاب‌های فارس زنده می‌مانند؟

هرچه هوا گرم‌تر می‌شود و به اعماق تابستان می‌رسیم، نفس تالاب‌ها و رودها و چشمه‌های کشورمان هم بیشتر می‌گیرد. زمستان پربارشی که نداشتیم که جانی تازه کنند، حالا در این ایام خشک و داغ هم شیره جانشان با مصارف بی‌اندازه ما در بخش شرب و کشاورزی و صنعت هرروز بیشتر میکیده می‌شود.

کافی است سری به استان فارس و تالاب‌های آن بزنیم که در سال‌های گذشته هم چندان حال و روز خوشی نداشتند، اکنون اما مرگ مناسب‌ترین وصله‌ای است که به این تالاب‌ها می‌چسبد. آن طور که ایلنا روایت می‌کند حالا دیگر فرقی ندارد پریشان باشی یا از فرط بی‌آبی کم‌جان؛ ارژن باشی یا سیاه‌بخت مثل بختگان. حالا همه تالاب‌های استان از دست رفته‌اند و تقریباً هیچ برنامه مشخص و مدونی برای احیای آنها وجود ندارد.

بحران‌های محیط‌زیستی از ۱۰ سال پیش به صورت جدی زندگی استان فارس را تحت تاثیر قرار داده است. کم‌آبی، خشکسالی و کاهش میزان بارش‌ها در کنار برداشت‌های بی‌رویه و غیراصولی از منابع آبی موجب شد تا استان فارس از دهه ۹۰ تاکنون با بحران‌های اقلیمی و محیط‌زیستی مواجه شود. آن طور که مسئولان محیط‌زیست فارس پیش از این گفته‌اند: در مدیریت منابع، گرفتار ترازوی مصرف منابع مشترک هستیم و بهره‌برداران برای برداشت منابع مسابقه می‌دهند. از همین رو استاندار فارس در جلسه کارگروه تالاب‌ها به همه فرمانداران تکلیف کرد تا با نظارت از منطقه‌ای، سالی ۱۵ درصد از چاه‌های غیرمجاز پلمب و بسته شود.

محمدهادی ایمانی می‌گوید: فرمانداران مکلف شدند که تا پایان سال، ۲۵ درصد چاه‌های غیرمجاز اطراف تالاب‌ها را پلمب کنند و برداشت آب نداشته باشند. استاندار فارس با تاکید بر این‌که باید برنامه زمان‌بندی‌شده برای احیای تالاب‌های استان فارس تدوین شود، ادامه می‌دهد: پس از نابودی تالاب‌ها دیگر نمی‌توان اقدام سازنده‌ای برای احیای آنها انجام داد و لذا ضروری است که هر چه سریع‌تر اقدامات لازم برای احیای تالاب‌ها صورت بگیرد.

ایمانیه بر لزوم تهیه جدول زمان‌بندی تکالیف دستگاه‌های استان برای احیای تالاب‌ها تاکید دارد و می‌گوید: نمی‌توانیم برای بارش باران تصمیم بگیریم اما می‌توانیم تصمیم بگیریم که چه درصدی از چاه‌های غیرمجاز را شناسایی کنیم. وی درعین حال می‌داند که برخی چاه‌ها مزارع کشاورزان را آبیاری و نان شب آنها را تأمین می‌کند. برای همین می‌گوید: این اقدام بایستی از افرادی که از وضعیت مالی بهتری برخوردار هستند، شروع شود و برای کسانی که نان شب‌شان به این چاه‌ها وابسته است تدبیر دیگری مانند شغل جایگزین (اشتغال غیرکشاورزی) اندیشیده شود.

وی معتقد است بین ۱۰ تا ۳۰ درصد چاه‌ها توسط افرادی حفر شده که مشکل مالی ندارند و بنابراین فرمانداران سه سال فرصت دارند که با همکاری دادستانی و نیروی انتظامی، افرادی را که مشکل مالی ندارند شناسایی و جمع کنند و در همین فاصله برای ۷۰ درصد از افرادی که از وضعیت مالی خوبی بهره نمی‌برند شغل پیدا کنند؛ از سویی نیروی انتظامی و شورای تأمین هم موظفند جلوی متخلفان را بگیرند.



گذران تعطیلات تابستان در آب‌های گل‌آلود شمالی

ضعف دانش فنی آفت گلخانه‌داری

توسعه ۴۸ هزار هکتار گلخانه مورد نظر دولت، به ۹۶ هزار کارشناس نیاز دارد



خشکسالی‌های مستمر در کنار محدودیت منابع آب و خاک، رشد جمعیت شهرنشین، علاقه به تولید و مصرف محصولات خارج از فصل و وجود بازارهای بالقوه در کشورهای همجوار ازجمله دلایل و نیازها برای توسعه کشت گلخانه‌ای در ایران به‌شمار می‌آیند. با این‌که دولت سیزدهم هم تأکید دارد زیرساخت‌های راه‌اندازی گلخانه‌ها در صنعت کشاورزی بیش از پیش مدنظر باشد و برای عملی‌شدن این کار، در سفرهای استانی هیات دولت، ۳۰۰۰ میلیارد تومان مصوبه داشته، ولی این پایان ماجرا نیست، زیرا فعالان این عرصه می‌گویند توسعه کشت گلخانه‌ای نیاز به تربیت کارشناس دارد و اگر به گزارش وزارت جهادکشاورزی استناد کنیم که اعلام کرده در ۱۰ سال آینده گلخانه‌ها ۴۸ هزار هکتار توسعه می‌یابند، باید در نظر داشته باشیم برای مدیریت این حجم از واحدهای گلخانه‌ای به بیش از ۹۶ هزار کارشناس احتیاج است.

این یک حقیقت است که با توجه به بحران کم‌آبی و خشکسالی در ایران باید به سمت کشاورزی متراکم حرکت کرد و توسعه کشت گلخانه‌ای ازجمله این کارهاست. گلخانه‌ها این ویژگی را دارند که دربرابر بهره‌وری بالا، آب بسیار کمتری مصرف کنند.

همچنین به‌ارای هر هکتار کشت گلخانه‌ای ۱۲ نفر اشتغال‌زایی مستقیم ایجاد می‌شود که به همین دلیل دولت هم تأکید دارد تا پایان چهارساله اول ۴۰ هزار هکتار گلخانه راه‌به‌بهره‌برداری برساند. از رفتارهای دولتمردان مشخص است که اهتمام ویژه‌ای برای گسترش کشت گلخانه‌ای دارند و برهمین اساس در تمام سفرهای استانی، اولین پروژه‌ای که در جهت توسعه زیرساخت‌های کشاورزی مورد بحث قرار می‌گیرد، گلخانه است. باین‌اوصاف باقی‌ماندن این طرح‌ها و برنامه‌ها و مصوبات در حد حرف، مشکلی است که از دیرباز وجود داشته و هرگز با این روش کاری پیش نخواهد رفت. در



تیم محققان به این نتیجه رسیده که بخشی از مشکلات در گلگاه توسعه کشاورزی، ضعف دانش فنی است

حدود یک سالی که از عمر دولت سیزدهم می‌گذرد، نزدیک به ۳۰۰۰ میلیارد تومان از مصوبات سفرهای هیات دولت به توسعه کشت‌های گلخانه‌ای در استان‌های گوناگون اختصاص یافته اما از این مقدار فقط درصدی پرداخت شده و باقی کارها مشخص نیست چطور و در چه زمانی شروع خواهند شد.

تا گفته نماند طبق برنامه ۱۰ساله اقتصاد مقاومتی که در راستای منویات رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۹۵ تصویب و ابلاغ شد، پیش‌بینی شده در افاق ۱۴۰۴ به‌منظور افزایش بهره‌وری، ایجاد ارزش افزوده، افزایش کیفیت محصولات، صرفه‌جویی در مصرف آب، تأمین نیاز داخلی و کمک به مثبت‌کردن تراز تجاری با صادرات مازاد بر نیاز کشور باید نزدیک به ۳۲ هزار هکتار از سطح توسعه گلخانه‌ها از طریق هدایت‌بخشی از کشت سبزی و صیفی فضای باز به محیط‌های گلخانه‌ای و کنترل شده محقق شود.

در فصلی که نامش تابستان است و هنگام سفر، آن هم سفر به مناطق جنگلی و ساحلی مثل شمال کشور، انتشار یک فیلم از گل‌آلود شدن آب دریای خزر در محدوده شهرهای گردشگریذیر نوشهر و چالوس نگرانی‌هایی را ایجاد کرده است. تصاویر آب‌های گل‌آلود دریا بیشتر مربوط به حوزه جغرافیایی خط هشت، عباسکلا، رادیو دریا در چالوس و پیرامون فرودگاه، کرکودسر و مجموعه ساحلی، گردشگری

ضرورت تربیت کارشناس کشاورزی

اوایل امسال بود که داریوش سالم‌پور، مجری طرح توسعه گلخانه‌های وزارت جهادکشاورزی اعلام کرد: «براساس برنامه‌ریزی‌ها و هماهنگی‌های انجام‌شده با سازمان‌های جهادکشاورزی استان‌ها در سال جاری باید ۳۲۰۰ هکتار سطوح گلخانه‌ای کشور توسعه یابد و ۶۸۶ هکتار نیز اصلاح و نوسازی شود.» اما نباید فراموش کنیم که توسعه گلخانه‌ها فقط به راه‌اندازی محیط‌های مخصوص این کار ختم نمی‌شود، بلکه تربیت کارشناسان کشاورزی و متخصصان این حوزه نیز از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. دکتر علیرضا بابایی، چهره ماندگار بخش کشاورزی کشور با بیان این‌که اگر اقتصاد آب مورد توجه قرار نگیرد در کمترین زمان امکان دارد تمام کشاورزی را از دست‌بدهیم به جام جم می‌گوید: «وقتی قرار است محصولی تولید شود، آن هم یک محصول استراتژیک باید در ابتدا به میزان ارزش افزوده آن توجه شود. مثلاً در بعضی محصولات به‌ارای هزار لیتر آب مصرفی، میزان ارزش افزوده کم‌تر از یک سوم یک دلار است. بنابراین سال‌ها تلاش شده تا با تکیه

رخ دهد و غرق شوند دور از انتظار نیست. آن طور که نورعلی رادمهر، مدیرعامل انجمن همیاران شهرستان چالوس به ایرنا گفته: مسئولان اداره حفاظت محیط‌زیست مازندران علت گل‌آلود شدن رودخانه چالوس و به تبع آن دریای خزر در چند روز اخیر را فعالیت ۹ کارگاه شن و ماسه در مرزن‌آباد چالوس برشمرده‌اند که دو کارگاه تاکنون موفق به نصب امکانات تصفیه‌خانه و فیلترپرس مجهز نشده‌اند.



تحقیقات و امور دانش‌بنیان این ارزش تا ۱۵ دلار افزایش یابد و در واقع در اقتصاد آب ارزش ۵۰۰ برابر یی ایجاد شده است.»

این گلخانه‌دار و کارقرین نمونه ادامه می‌دهد: «تیم محققان به این نتیجه رسیده که بخشی از مشکلات در گلگاه توسعه کشاورزی، ضعف دانش فنی است. بنابراین برای پیشرفت در علم گلخانه‌داری قبل از هر چیز باید به آموزش کارآفرینان توجه ویژه‌ای داشته باشیم و در رفع این کمبود اقدام کنیم.»

به گفته این کارشناس، اگر در برنامه وزارت جهادکشاورزی، توسعه ۴۸ هزار هکتار گلخانه در مدت ۱۰ سال آینده برنامه‌ریزی شده، بنابراین برای مدیریت این واحدها به بیش از ۹۶ هزار کارشناس نیاز است، که باید در همین مدت آموزش دیده و تربیت شوند.



هرچه بیابان‌زایی بیشتر، مردم ناشادتر



پرسش این‌که آیا بین بیابان‌زایی که می‌تواند محصول طبیعت باشد یا بیابان‌زایی انسان منشأ تفاوتی وجود دارد؟ در پاسخ این پرسش باید گفت: اکنون علنا ما شاهد این هستیم که حدود ۹۹ درصد بیابان‌زایی‌ریشه در عوامل انسانی دارد و اساساً طبیعت دخالتی در ایجاد بیابان‌های جدید ندارد. روند بیابان‌زایی طبیعی روندی طولانی‌مدت است. به‌طور کلی بیابان‌زایی اکنون ریشه انسانی دارد و ریشه اساسی آن در اقداماتی همچون تغییر کاربری اراضی و جنگل‌زدایی و کشاورزی گسترده، انتقال نهادهای انرژی، انتقال لوله‌های آب و گاز و سدسازی‌های بی‌رویه ... و است و همه اینها در شکل‌گیری بیابان‌زایی تأثیر دارد و همین باعث افت کارایی سرزمین و کیفیت زیستی و در نتیجه گسترش خشونت و شورش خواهد شد.

در ایران ما هم مهم‌ترین دلیل بیابان‌زایی تصمیمات غیرمنطقی دولت‌ها در طول ۱۰۰ سال گذشته است. متأسفانه یکی از بزرگ‌ترین تسهیل‌کنندگان این رفتارها و تصمیمات غیرعقلایی هم مدیران مجموعه‌هایی چون محیط‌زیست و منابع طبیعی هستند که هرگز نتوانسته‌اند دفاع شایسته‌ای از مایملک محیط‌زیست کشور کنند. فقط گزارش کمیسیون اصل ۹۰ مجلس را نگاه کنید که می‌گوید در طول دو دهه اخیر چهار میلیون هکتار از عرصه‌های منابع طبیعی کشور تغییر کاربری داده شده‌اند. این در حالی است که سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور در طول ۱۱۰ سال فعالیت، دو میلیون هکتار جنگلکاری کرده است! آن چیزی که در طول دو دهه اخیر رسماً به بیابان تبدیل شده است بیش از دو برابر آن چیزی است که در طول یک قرن سازمان جنگل‌ها تلاش کرده ایجاد کند! ایجاد جنگل‌های دست‌کاشت، اینها و خیلی از دلایل دیگر سبب شده نرخ بیابان‌زایی در ایران پیوسته در حال افزایش باشد.



بیابان‌زایی که کشور ما هم به آن مبتلاست و روزبه‌روز پهنه‌های وسیع‌تری را در

بر می‌گیرد، چه پیامدهایی به دنبال دارد؟ آیا می‌توان گفت که این پدیده طبیعی در زندگی اجتماعی ما هم تأثیرگذار خواهد بود؟ و اگر چنین است این تأثیرگذاری چگونه خواهد بود؟ نظریه‌هایی وجود دارد که معتقد است بیابان‌زایی اثرات نامطلوبی در زندگی اجتماعی

ما خواهد داشت.

بیابان‌زایی، عبارت است از تخریب سرزمین که در مناطق خشک، نیمه‌خشک و مناطق نیمه‌مرطوب خشک رخ می‌دهد. این تعریفی است که برنامه عمران ملل متحد در سال ۱۹۹۴ میلادی از بیابان‌زایی ارائه داد. در واقع بیابان‌زایی همان تخریب سرزمین است ولی چون واژه تخریب سرزمین، خیلی بار احساسی نداشته و مردم و مسؤولان و رهبران سیاسی کشورها را متوجه عمق فاجعه نمی‌کرده است، کارشناسان به این نتیجه رسیدند که بهتر است به‌جای آن از واژه بیابان‌زایی استفاده کنند تا ملموس‌تر باشد و سیاستگذاران و مردم بیشتر احساس خطر کنند و یادشان بیفتد که ممکن است ناهمواری‌های ماسه‌ای بیاید و یک شهر را زیر پوشش شن ببرد. بنابراین بوده‌های بیشتری به مقابله با بیابان‌زایی اختصاص پیدا کنند.

اما واقعیت ماجرا این است که وقتی زمین شور و حاصلخیزی آب کم می‌شود و سفره‌های آب زیرزمینی افت می‌کنند و بیلان دشت‌ها کم می‌شود و چشمه‌های تولید گرد و خاک پیدا می‌شود، یعنی در واقع در یک سرزمین دارد بیابان‌زایی اتفاق می‌افتد؛ هر فعلایتی که منجر به افت کارایی سرزمین شود، یک نوع بیابان‌زایی یا تخریب سرزمین است. بنابراین بیابان‌زایی نباید لاچرم در سرزمین‌های خشک اتفاق بیفتد، بلکه در برخی از مناطق ازجمله اقیانوس‌ها و دریاها که کویرهای دریایی دارند به‌دلیل وجود مواد آلاینده، هیچ جنبه‌ای در آن زیست نمی‌کند. در خلیج فارس هم چنین ویژگی‌ای داریم و آنجا دارد بیابان‌زایی اتفاق می‌افتد. این بیابان‌زایی اما وقتی در مناطق سرزمینی اتفاق می‌افتد، باعث افزایش فقر در جوامع می‌شود و افزایش مهاجرت از روستاها شکل می‌گیرد. همچنین نوعی رقابت برای یافتن آب و غذا به‌وجود می‌آید که منجر به جنگ و درگیری درون سرزمینی می‌شود. آن چیزی که از آن به‌عنوان جنگ آب یاد می‌کنیم یکی از مصداق‌های بیابان‌زایی است.

برقرار باشد باید تاب‌آوری سرزمین حفظ شود.